

جایگاه حقوق خانواده در مجمع البیان و جامع البیان و ۲

جمال فرزند وحی^۱، زهرا جلیلیان^۲، لیدا حبیبی^۳

^۱عضو هیئت علمی دانشگاه رازی

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

^۳کارشناس ارشد علوم قرآنی

چکیده

در همه فرهنگ‌ها خانواده اساسی‌ترین و اصلی‌ترین نهاد اجتماعی است. این نهاد اجتماعی گرچه کوچک‌ترین اجتماع انسانی محسوب می‌شود اما همواره زیربنای جامعه و منشاء فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. در همه جوامع بشری و تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف، قوانین خاصی وجود دارد. بالتبع در اجتماع کوچک‌تری مانند خانواده نیز این امر صادق است. هر کدام از اعضای خانواده در جایگاه خود، دارای حقوقی هستند که در آیات قرآن نیز به آن‌ها اشاره شده است. در این مقاله در صدد بیان این آیات بوده و سپس نظرات و دیدگاه‌های شیخ طبری و شیخ طبرسی در ذیل این آیات ذکر می‌شود تا مشخص گردد آیا میان این دو مفسر درباره حقوق خانواده اختلاف نظر وجود دارد یا خیر؟

کلیدواژگان: حقوق خانواده، جامع البیان، مجمع البیان، عوامل ثبات خانواده.

مقدمه

ابوعلی فضل بن حسن بن فضل طبرسی، معروف به «امین الاسلام طبرسی» در حدود سال‌های ۴۶۰ تا ۴۷۰ هجری به دنیا آمد و پس از حدود ۹۰ سال زندگی سراسر تلاش و مجاهده در سال ۵۴۸ هجری در بیهق از دنیا رفت و به مشهد مقدس انتقال داده و در حرم قدس رضوی به خاک سپرده شد.

از مهم‌ترین اساتید و مشایخ روایت فضل بن حسن طبرسی می‌توان به ابوعلی طوسی، حسن بن حسین، موفق الدین بکر آبادی، ابوالحسن عبید الله بیهقی و شیخ جعفر درویشی اشاره کرد. از شاگردانش می‌توان به فرزندشان رضی الدین حسن بن فضل طبرسی، ابن شهر آشوب، شیخ منتجب الدین، قطب الدین راوندی، عبد الله جعفر درویشی و شاذان بن جبرئیل قمی اشاره کرد. طبرسی آثار و تألیفات زیادی دارد، اما آنچه در دسترس است کمتر از ۲۰ عنوان می‌باشد و «مجمع البیان فی التفسیر القرآن» از مهم‌ترین آثار وی است که مشتمل بر ده جلد است و در شمار بهترین تفاسیر شیعی قرار گرفته است و شهرتی جهانی دارد. از آثار دیگر وی می‌توان از: تفسیر «جوامع الجامع»، «الوافی فی التفسیر القرآن»، «تاج الموالد در انساب»، «النور المبین» و ... نام برد.

ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید کثیر بن غالب طبری از مشاهیر علمای اهل سنت قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری است که در اواخر سال ۲۲۴ هجری در امل مازندران به دنیا آمد و در سال ۳۱۰ هجری در بغداد از دنیا رفت. او در سن هفت سالگی به تعلیم قرآن پرداخت و به همت پدرش تحصیل علم را آغاز کرد. ابتدا در شهر خود و سپس در ری، بصره، کوفه، واسط، مصر و شام به کسب دانش پرداخت و از علما و مشایخ بسیار حدیث شنید و فقه مالکی و شافعی را از اصحاب آن مذاهب آموخت. (ر.ک: حموی، ۱۳۸۱، ۵۰/۱۸) وی تاریخ را نزد «احمد بن حماد دولابی» و حدیث و علم حدیث را از «محمد بن حمید رازی» در شهر ری فرا گرفت. به طور کلی برای طبری بیش از ۲۰ استاد و ۳۰ شاگرد ذکر شده است. از مشهورترین شاگردان او می‌توان به «ابوبکر بن کامل» اشاره کرد. (نرم افزار جامع التفاسیر نسخه ۳، قسمت کتابشناسی)

طبری در اکثر علوم زمان خویش به خصوص حدیث، فقه، تفسیر، اخبار و لغت دارای تخصص و تبحر ویژه‌ای بود و نیز در بعد فقهی، بیش از هر رشته علمی دیگر شهرت داشت. ابن ندیم او را در ردیف فقهای نظیر «مالک»، «شافعی» و «داود بن علی» آورده است. (ابن ندیم، بی‌تا، ۲۹۱) طبری دارای آثار و تألیفات زیادی است که می‌توان آنها را به آثار چاپ شده، آثار خطی موجود، آثار مفقود شده و آثار منسوب به او تقسیم کرد. دو کتاب «جامع البیان فی تفسیر القرآن» و «تاریخ الامم و الرسل و الملوك» دو اثر جامع وی محسوب می‌شوند. تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن، معروف به تفسیر طبری است که یکی از قدیمی‌ترین تفسیرهای روایی - اجتهادی اهل سنت در قرن سوم هجری بوده و مشتمل بر ۳۰ جلد است. (نرم افزار جامع التفاسیر نسخه ۳، قسمت کتابشناسی)

۱- مفاهیم

۱-۱- خانواده

خانواده در فارسی، معادل «اهل» در کلام عرب است. (محمد حسنین، ۱۴۰۲ق، ۲۱۳) و نیز به معنای خاندان، دودمان، خیل‌خانه و تبار آمده است. (دهخدا، ۱۳۸۵، ۱۰۷۸/۱) در اصطلاح برای خانواده دو تعریف ذکر کرده‌اند که عبارت است از:

- خانواده گروهی از اشخاص است که راجع به ازدواج و نسبت با هم پیوند دارند. این گروه با نام خانوادگی خاص از هم جدا می‌شوند و هر کدام از آنان با نام کوچک خود از سایر اعضای خاندان ممتاز می‌گردند. به این ترتیب خانواده به مجموعه‌ای از اشخاص که در اثر نکاح یا قرابت با هم بستگی دارند گفته می‌شود.

- خانواده به معنی خاص و محدود خود شامل زن و شوهر و فرزندان آنهاست؛ گروهی که هدایت و حمایت آنان با پدر است و همبستگی میان اعضای آن حقوق و تکالیفی را به بار می‌آورد در میان سایر خویشان وجود ندارد. (کاتو زبان، ۱۳۸۹، ۱۴)

برخی نیز آن را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «خانواده به مفهوم محدود آن عبارت است از یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده از آنان خانواده را تکمیل می‌کند و در تعریفی دیگر، آن را گروهی از افراد می‌دانند که از راه خون، زناشویی و یا فرزند پذیری با یکدیگر ارتباط می‌یابند و طی یک دوره‌ی زمانی نامشخص، باهم زندگی می‌کنند.» (بروس کوئن، ۱۳۷۸، ۱۲۷) خانواده زن و شوهری یا هسته‌ای (شامل پدر، مادر و فرزندان) بر اساس ازدواج به وجود می‌آید و دارای وظایف عاطفی، مذهبی، تربیتی، جنسی و... است و مشخصه آن روابط میان زن و مرد، والدین، فرزندان، خواهران و برادران است. (بهنام، ۱۳۵۰، ۵) برخی نیز خانواده را گروهی از افراد می‌دانند که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً پیوند یافته‌اند، و اعضای بزرگسال آن مسئولیت

مراقبت از کودکان را برعهده دارند. پیوندهای خویشاوندی یا از طریق ازدواج برقرار گردیده‌اند، یا از طریق تبارکه خویشاوندان خونی را با یکدیگر مرتبط می‌سازد. (ر.ک: آنتونی گیدنز ۱۳۸۳، ۴۲۴)

۱-۲- حقوق

«حقوق» جمع «حق» است. واژه «حق» به معنی درست، ثابت، سزاوار و عدل است (دهخدا، ۱۳۸۵، ۱۰۳۷/۱). حق به معنای ثبوت، ضد باطل، وجوب، مطابقت و موافقت نیز آمده است. (طریحی، ۱۳۷۵، ۴۶/۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۴۹/۱۰) صاحب التحقیق، معنایی که در همه کاربردهای آن لحاظ شده است، ثبوت به همراه مطابقت با واقع می‌داند. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۲/۲۶۲)

در اصطلاح عبارت است از مجموعه قوانین و مقررات اجتماعی که از سوی خدای انسان و جهان، برای برقراری نظم و قسط و عدل در جامعه بشری تدوین می‌شود تا سعادت جامعه را تامین سازد. (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ۷۵) برخی نیز بر این هستند که حقوق به معنای امتیازات و ویژگی‌های هر یک از افراد یک جامعه است که گاه از آن به «حقوق فردی» چون: حق حیات، حق مالکیت، حق اُبوت، حق بنوت و حق زوجیت تعبیر می‌شود. (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۴۳/۱)

۲- اهمیت حقوق خانواده

نهاد خانواده به عنوان هسته اولیه در جامعه است که عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی را به خود اختصاص داده، که پایه و زیر ساخت واحدهای بزرگ اجتماعی بشر به شمار می‌رود؛ زیرا افرادی که در این نهاد تربیت شده و ساخته می‌شوند به میزان رشد و شکوفایی‌شان سهمی در واحدهای اجتماعی دارند. مهم‌ترین رکن در خانواده پدر و مادر و زن و شوهر است که هر کدام از آن‌ها جایگاه و حقوق خاصی را در خانواده دارند. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: ﴿... هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ...﴾ (بقره/۱۸۷) «آنان برای شما لباسند و شما برای آنان لباسید». رعایت حقوق خانواده در گرو عواملی است که اگر از ناحیه اعضای خانواده رعایت شوند آن‌گاه است که یک خانواده مطلوب قلمداد می‌شود.

۳- عوامل ثبات حقوق خانواده

۱-۳- محبت

مهر و محبت از جمله نیازهایی است که به صورت مختلف در انسان نمود پیدا می‌کند مانند محبت به فرزند، محبت به والدین و محبت نسبت به چیزهایی که دوست داریم.

اولین اصلی که باعث تشکیل یک خانواده می‌شود، به وجود آمدن محبت و علاقه میان زن و مرد می‌باشد. همین محبت و رابطه عاطفی میان زن است که باعث دوام خانواده می‌شود. خداوند در آیه ۲۱ سوره روم وجود محبت میان زن و شوهر را مایه آرامش معرفی می‌کند. ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ «و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت‌انگیز] نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند». تقویت محبت و مهربانی میان زن و شوهر به عنوان یک محرک اساسی در خانواده تأثیر به سزایی دارد. این محبت بالتبع به اعضای خانواده علی‌الخصوص فرزندان سرایت می‌کند. بنابراین به جای آوردن حقوق هر کدام خود نوعی تعلیم و تربیت فرزندان محسوب می‌شود.

طبرسی در بیان این آیه این گونه آورده است که «از نشانه‌های پروردگار آن است که برای شما از نوع شکل و جنس شما جفت‌هایی قرار داده است و این خود منتهی از طرف خداوند بر شماست؛ زیرا به گفته «ابو مسلم» انسان به هم شکل خود گرایش بیشتری دارد. هم‌چنین در تفسیر «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» این گونه بیان می‌کند: تا بسوی آنان و در آغوششان در آسایش و آرامش بوده و بیکدیگر انس بگیرد. ﴿جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ و قرار داده بینتان دوستی و مهربانی و مقصود بین زن و شوهر است که آن‌چنان به هم دوستی و مهر می‌ورزند که هر یک دومی را بیش از هر چیز دوست میدارد. «سدی» گوید محبت و رحمة همان مهربانی و شفقت است. در ادامه در توضیح ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ این گونه بیان می‌کند که در این خلقت زنان هم شکل مردان دلالت روشنی برای ملت متفکر بوده تا بدان وسیله خداوند و خالق موجودات را بشناسند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴۷۰/۸)

طبری نیز در تفسیر این آیه به استدلال خلقت زن (حوا) از نفس خود آدم سخن به میان می‌آورد و بعد از آن حدیثی از قتاده بیان می‌کند که خداوند برای آدم از شکل خودش خلق کرد و بین آن‌ها مودت قرار داد. از طریق مقاربت و وصال و در کنار هم قرار

گرفتن آن‌ها و آرامش آن‌ها بر یکدیگر اشاره می‌کند و همچنین در ادامه این حدیث آمده است که این استدلال و حجت خود ادله‌ای است برای قومی که اهل تفکرند تا از آن پند و موعظه گیرند، پس همانا خداوند چیزی را بخواهد اراده می‌کند. (طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۱/۲۱)

تحلیل و بررسی

هر دو مفسر ذیل آیه مذکور، تأثیر محبت را به عنوان یکی از محرک‌های ثبات خانواده بیان می‌کنند. طبرسی محبت را با توجه به دیدگاه خود تفسیر می‌کند و آن را بین زن و شوهر که همان خلقت زن برای مرد است، منتهی برای او می‌داند تا با آن به آرامش برسد و به رابطه دو طرفه هر دو در طی مودت و دوستی اشاره می‌کند. ولی طبری محبت بین زن و شوهر را خلقت زن از جنس خود مرد می‌داند و تقویت محبت را در مقاربت و نیاز جنسی بیشتر مد نظر دارد و خلقت زن از جنس خود مرد را استدلال و ادله‌ای قوی برای گروهی که اهل پند و موعظه هستند می‌داند. البته ناگفته نماند که طبری در تفسیر این آیه به حدیثی از قتاده بسنده کرده است و در تفسیر این آیه فقط روایت‌گر حدیث است.

۲-۳- آگاهی کامل به حقوق یکدیگر

ناآگاهی به حقوق افراد در خانواده یکی از مشکلات اساسی است که تعارضاتی را در پی دارد. اگر والدین و فرزندان بر حقوق یکدیگر واقف باشند بسیاری از مشکلات و اختلافات از بین می‌رود. حقوق فرزندان و والدین متقابل است. اگر فرزندان آداب اسلامی را در رفتار با والدین رعایت کنند و والدین نیز متقابلاً وظایف خود را بدانند، فضای خوب و مطلوبی در خانواده حاکم می‌شود. برای روشن شدن این مطلب به بررسی برخی از این حقوق‌ها می‌پردازیم.

۱-۲-۳- حقوق والدین

یکی از عواملی که نقش به سزایی در ثبات خانواده ایفا می‌کند، حقوق والدین بر فرزندان است که یکی از اصول حاکم بر نظام خانواده بوده و قرآن کریم در آیات متعددی این امر را متذکر شده است. برخی از حقوق والدین بر فرزندان عبارت است از:

۲-۳-۱- احسان به والدین

احسان یکی از مهم‌ترین حقوق والدین بر فرزندان است که قرآن کریم در همه موارد احسان به والدین آن را بدون هیچ گونه قید و شرطی آورده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (الأسراء/۲۳)؛ «و پروردگارت فرمان قاطع داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از آنان یا دو نفرشان در کنارت به پیری رسند [چنانچه تو را به ستوه آورند] به آنان اف مگوی و بر آنان [بانگ مزین و] پرخاش مکن و به آنان سخنی نرم و شایسته [و بزرگوارانه] بگو».

طبرسی ذیل تفسیر این آیه ابتدا واژه «قضى» را این گونه معنا می‌کند که در این آیه به معنای واجب کردن است یعنی خداوند واجب کرده است که جز او را نپرستید سپس درباره امر به یکتاپرستی و فرمان‌برداری از حق به نقل از ابن عباس، حسن، قتاده و ربیع بن انس آورده است که خداوند امری حتمی، لازم و واجب کرده است یا به نقل از مجاهد آورده است که پروردگارت سفارش کرده است که او را پرستش کنید و جز او را پرستش نکنید. ممکن است گفته شود: امر می‌کنند که چیزی باشد نه چیزی نباشد؛ زیرا معنای امر، اراده چیزی کردن است و اراده، هنگامی است که چیزی را بخواهند نه اینکه نخواهند. (در حالی که آیه می‌گوید: امر کرده است که نپرستید...) مقصود این است که خداوند اراده کرده است که شما او را از روی اخلاص پرستش کنید و کراهت دارد از اینکه جز او را پرستش کنید، این مقصود را به وسیله امر «أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» (امر کرده است که جز او را نپرستید) بیان کرده است و نیز به نیکی کردن درباره پدر و مادر دستور داده است. «بالوالدین» در آیه متعلق به «قضى» است، یعنی: «قضى بالوالدین احساناً» ممکن است به تقدیر «اوصی بالوالدین ...» باشد و حذف آن بخاطر دلالت کلام است.

در ادامه، آیه می‌فرماید ای انسان اگر پدر یا مادر به آن اندازه‌ای از عمر برسند که محتاج به سرپرستی تو باشند، به آن‌ها احسان کن. کلمه «کبر» برای این گفته شده است که در حال «کبر» سن و پیری احتیاج آن‌ها به سرپرستی بیشتر است و گر نه در همه حال فرمان‌برداری آن‌ها لازم است و بعضی گفته‌اند: کلمه «کبر» در وصف فرزند است و منظور این است که اگر تو به سن کبر رسیدی و مکلف شدی و نزد تو پدر و مادر باشند به آن‌ها «اف» نگو. طبرسی آن را به معنای «تضجر» ملول و خسته شدم، گرفته است، بنابراین اف نگو، متضمن این معنا است که به آن‌ها نگو ملول و خسته شدم و آن‌ها را با درشتی و فریاد مرنجان و با آن‌ها با نرمی، لطف و مهربانی سخن بگو و سخن لغو و زشت، در برابر آن‌ها بر زبان نیاور و از این راه، آن‌ها را گرامی بدار. در حقیقت، گفتار پسندیده و گرامی، دلیل

گرامی بودن کسی است که انسان با او سخن می گوید. به نقل از سعید بن مسیب نیز آورده است که می گوید: در حضور ایشان مثل بنده گنه کار، در برابر سروری درشت خو، سخن بگو. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶/۶۳۰-۶۳۱)

طبری نیز ذیل تفسیر آیه درباره امر خداوند به یکتاپرستی، ابتدا به نقل از ابن عباس و دیگران آورده است که: «قَضَى رَبُّكَ» به معنای این است که خداوند تو را فرمان داده است و بنا بر قول ابن مسعود آورده است که: سفارش کرده است خدای تو؛ یعنی «قَضَى رَبُّكَ» به معنای وصی ربک است. به نقل از مجاهد آن را به معنای «اوصی ربک» آورده است. بنابراین خداوند متعال به طور قاطع امر به یکتاپرستی کرده است. و در ادامه آیه امر به احسان و نیکی به والدین را نیز مطرح می کند. به این معنی که «أمرکم أن تحسنوا إلی الوالدین»، «أن» مقدره حذف شده است در حقیقت «قَضَى» متعلق به احسان نیز است، سپس می فرماید که هرگاه یکی از آن ها یا هر دو به پیری رسیدند اف بگو. «يُبْلَغَنَّ» خبر برای «احدهما» است و «کلاهما» عطف بر آن می باشد، بنابراین خبر از امر به احسان برای والدین است. کلمه «اف» کنایه است از دلگیری و ملامت خاطر در برابر آنچه از آن ها دیده شود، موجب اذیت باشد بلکه صبر کن و مزد آن را از خدا بخواه همان طور که آن ها در کوچکی تو در برابر همه چیز صبر کردند. مجاهد گفته است: یعنی اگر به آن اندازه پیری برسند که نتوانند از فشار درون، خوددار باشند و پلیدی کنند، تو از آن کراهت مدار و پاک کن که آن ها در کوچکی تو با تو چنین می کردند و نیز آن ها را با درشتی و فریاد آزرده خاطر نسا و با آن ها به نیکی و زیبایی سخن بگو. قول کریم نیز، نیکوترین سخن است. طبری در آخر از ابی الهذاج نقل کرده است که به سعید بن مسیب گفتیم: دستورهایی قرآن را برای پدر و مادر فهمیدم مگر معنی «قولاً کریماً» را، گفت: یعنی با آن ها چنان سخن بگو که غلام زر خرید گناهکار و مقصر با آقای بدخوی خود سخن بگوید و عذر بخواهد. (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ۴۷-۴۹/۱۵)

تحلیل و بررسی

بنا بر آنچه که در تفسیر این دو مفسر گذشت، می توان گفت که طبرسی قبل از ورود به تفسیر آیه ابتدا معنای لغوی از کلمات کلیدی آیه چون: «قَضَى»، «اف» را مشخص کرده و معنای مد نظر در آیه مورد بحث را بیان می دارد که این نقش به سزایی را در فهم مخاطب دارد. سپس با نقل اقوالی به تفسیر آیه می پردازد.

طبری نیز در ضمن تفسیر آیه اشاره کوتاهی به معانی کلمات داشته اما بیشتر تفسیر خود را، معطوف به ذکر اقوال رسیده ذیل آیه کرده است اما در این آیه هر دو مفسر کلمه قضی را به معنی امر کردن و سفارش کردن گرفته اند و احسانا را عطف بر «قضی ربک» آورده اند و به این نتیجه رسیده اند که خداوند متعال پس از امر قاطع به یکتاپرستی، به احسان والدین نیز امر یا سفارش می کند. این مفسران احسان به والدین را شامل اموری چون: برخورد پسنیدیده با ایشان، به کار بردن جملات زیبا با آنان، تواضع و افتادگی در برابر آن ها، مهربانی با آنان و دعای خیر برای ایشان دانسته اند.

۲-۳-۱- فروتنی و خضوع

قرآن کریم در ادامه آیه ۲۴ سوره اسراء می فرماید: ﴿وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ (الاسراء/۲۴) «و برای هر دو از روی مهر و محبت، بال فروتنی فرود آر و بگو: پروردگارا! آنان را به پاس آنکه مرا در کودکی تربیت کردند، مورد رحمت قرار ده».

طبرسی ذیل تفسیر آیه آورده است که در برابر آن ها هر چه می توانی از لحاظ گفتار و کردار، فروتنی و کوچکی کن. منظور از «ذل» خواری نیست، بلکه نرمی و تواضع است. تعبیر گشودن پر و بال تواضع و نرم خوئی، در برابر پدر و مادر، تشبیهی است که مرغی را بخاطر می آورد که پر و بال خود را می گشاید و جوجه های خود را در زیر آن پناه می دهد. خداوند متعال می فرماید: پدر و مادر را در زیر پر و بال احسان و محبت خویش، پناه ده، همان طوری که آن ها در دوران کودکی تو، پر و بال محبت خود را بر سر تو گشودند و تو را بزرگ کردند. عرب، هر گاه بخواهد کسی را توصیف کند که در برابر پدر و مادر، نرم خو و مهربان است، می گوید: «او خافض الجناح است». در ادامه آیه می فرماید درباره آن ها دعا کن و از خداوند بخواه که در زندگی و بعد از مرگ، آمرزش و رحمت خود را نصیب آن ها گرداند؛ زیرا آن ها در کودکی تو را تربیت کرده اند. این، در صورتی است که آنها مؤمن باشند. از این آیه، برمی آید که دعای فرزند برای پدر و مادری که از دنیا رفته اند، مورد قبول خداوند است و گر نه، چه فایده ای دارد که بگوید: در باره آن ها دعا کن». (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶/۶۳۱)

طبری نیز بر این است که خداوند در این آیه این گونه بیان کرده است: که فرزندان در برابر والدین خویش باید خاشع و فروتن باشند و از همه اوامر آن‌ها جز در مسائلی که معصیت خدا در آن است اطاعت کنند. این آیه محتوای تعلیم و تربیتی از سمت خدا برای فرزندان است که باید از آن اطاعت کنند و به دیگران هم یاد بدهند. (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲ق، ۴۹/۱۵)

تحلیل و بررسی

در تفسیر هر دو مفسر، مطابق با آیه مذکور، وجوب خضوع و فروتنی در برابر زحمات پدر و مادر مشاهده می‌شود اما طبرسی به سبب توجه به بحث لغوی و نیز با به کار گیری تعبیر گشودن پر و بال تواضع و نرم‌خویی در برابر پدر و مادر که تشبیهی است که مرغی را بخاطر می‌آورد که پر و بال خود را می‌گشاید و جوجه‌های خود را در زیر آن پناه می‌دهد، در رابطه با خضوع و خشوع تفسیری مطلوب از آیه را بیان می‌کند و در مقابل طبری به صورت کلی انسان را، مکلف به خضوع و خشوع در برابر والدینشان می‌داند، به عبارتی بر این است که انسان باید در همه اوامر والدینش مطیع باشد، مگر در مواردی که معصیت خدا را در پی داشته باشد و در جریان تفسیر آیه این نکته را متذکر است که آیه بیانگر تعلیم و تربیتی از سوی خدا برای فرزندان است که فرد باید یاد گرفته و به دیگران هم یاد بدهد.

۲-۳-۱ - سپاسگزاری

قرآن کریم در این رابطه چنین می‌فرماید: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾ (لقمان/۱۴) «و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش به او حامله شد [در حالی که] سستی به روی سستی [به او دست می‌داد] و باز گرفتنش [از شیر] در دو سال است [او سفارش کردیم] که برای من و پدر و مادرت سپاس گزاری کن؛ بازگشت [همه] فقط به سوی من است»

طبرسی در تفسیر این آیه بر این هست که چون خداوند به شکر نعمت‌های خویش امر نموده در پی تذکر این نکته است که بگوید شکر هر منعم واجب و لازم است و بدین جهت از پدر و مادر سخن به میان آورده و بر همه واجب نموده که از والدین اطاعت نموده و سپاس آنان به جای آورند و به نکویی با آن‌ها رفتار کنند و از اینکه سپاس والدین را به دنبال سپاس خود قرار داده بدان جهت است که خداوند آفریننده انسان و والدین وسیله‌ای برای آفرینش و حفظ آن می‌باشند. سپس با ذکر زحمات و مشقت‌هایی را که مادر در دو سال به خود هموار می‌کند تا فرزند را تربیت کند، تذکر می‌دهد تا بدین وسیله فرزندان را مکلف به شکر و قدردانی والدین به خصوص مادر نماید و در آخر چنین می‌فرماید که بازگشت همه انسان‌ها به سوی ماست تا این جمله تهدیدی برای کسی باشد که در امر و فرمان الهی کوتاهی می‌کند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴۹۴/۸)

طبری چنین تفسیر می‌کند که خداوند در این آیه انسان را به نیکی کردن به والدین سفارش می‌کند و نیز رنج و سختی را که مادر در هنگام وضع حمل فرزند دچار می‌شود، بیان می‌کند و در عبارت پایانی آیه می‌گوید که خداوند را به خاطر نعمتی که به تو ای انسان داده شکر کن و هم‌چنین پدر و مادرت را به خاطر زحماتی که در تربیت تو کشیده‌اند سپاسگزاری کن. اگر کسی بپرسد که انسان باید شکر چه نعمتی را به جا بیاورد در پاسخ باید گفت شکر داشتن پدر و مادر را با نیکی کردن به آن‌ها باید به جا بیاورد همان طور که آن‌ها در کودکی در هنگام مشقت و سختی به او نیکی کرده‌اند. در ادامه نیز احادیث متعددی را برای شرح بیشتر نقل می‌کند. (طبری، ۴۱۲ق، ۴۵/۲۱)

تحلیل و بررسی

از آن‌جا که آیه به طور صریح تشکر و قدردانی فرزندان را در قبال زحمات والدین، مطرح می‌کند، تفسیری که هر دو مفسر از آن ارائه داده‌اند، یکسان است.

۲-۳-۴ - لزوم رعایت ادب و ملاطفت

خداوند متعال پس از سفارش فرزندان به قدر دانی از زحمات والدین چنین می‌فرماید: ﴿وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (لقمان/۱۵) «و اگر [آن دو] تلاش کنند که تو [را وادار نمایند] بر [اینکه] چیزی را که هیچ علمی به [خدا] بودن و ربوبیت [آن نداری شریک من قرار دهی، از آنان اطاعت مکن؛ ولی در دنیا با آن دو نفر به شیوه‌ای پسندیده معاشرت کن و راه کسی را پیروی کن که [با توبه و ایمان و اخلاص] به من بازگشته است، سپس بازگشت شما فقط به سوی من است، پس شما را از آنچه انجام می‌دادید، آگاه می‌کنم.»

طبرسی در تفسیر آیه می‌گوید که خداوند می‌فرماید اگر پدر و مادر تلاش بر این داشتند که چیزی را که علمش را نداری و یا حقیقت آن را نمی‌شناسی شریک من بگیری، اطاعتشان نکن و در امور دنیوی آن‌ها را مدد برسان، اما در امور اخروی مخالفت با این‌ها واجب است؛ زیرا آن‌ها کافرند و از کسانی پیروی کن که پیرو من بوده و قلب و فکر خویش را به سوی من قرار داده‌اند. پیامبر و مؤمنان همان افرادی هستند که مطیع من هستند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴۹۵/۸)

طبری در تفسیرش این گونه بیان می‌کند که ای انسان اگر آن‌ها مصر بر دعوت به شرک هستند، در عبادت از همراهی با آن‌ها بر حذر باش از آنچه که علم ندارند ولی برای من شریک قرار می‌دهند، پس شرکی برای خدا تعالی نیست؛ بنابراین آن‌ها را از آنچه در باب شرک ورزی از تو می‌خواهند اطاعت نکن اما آن دو صاحب و سرپرست تو در دنیا هستند که از آن‌ها اطاعت کن و این در امور بین خالقت تبعیت ندارد و برای تو گناهی نیست و پیرو کسی باش که از شرک توبه کرده و روی به اسلام آورده‌اند و از محمد (ص) پیروی کن. (طبری، ۱۴۱۴ق، ۴۵/۲۱)

تحلیل و بررسی

هر دو مفسر پس از تأکید بر عدم اطاعت از والدین به هنگام دعوت آن‌ها به شرک، فرزندان را موظف به یاری رساندن و اطاعت والدین در امور دنیوی می‌دانند که هیچ منافاتی با عدم اطاعت در مسائل عبادی ندارد، بنابراین آیه مد نظر پس از مقابله با آن‌ها در شریک قرار دادن خدا، به رعایت ادب به عنوان ولی و سرپرست دنیوی موظف می‌کند.

۲-۲-۳- حقوق فرزندان

قرآن کریم به همان کیفیتی که بر حقوق والدین سفارش کرده، بر حقوق فرزندان سفارش نکرده است اما دسته‌ای از آیات نشان دهنده این هستند که فرزندان نیز دارای حقوقی هستند؛ زیرا حقوق افراد متقابل است. در ادامه به برخی از این حقوق اشاره می‌شود.

۱-۲-۳- آموزش احکام شرعی

بر پدر و مادر است که فرزند خود را با وظایف و احکام دینی آشنا سازد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (لقمان/۱۷) «ای فرزند عزیزم، نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و (بر این کار از مردم نادان) هر آزار بینی صبر پیش گیر که این نشانه‌ای از عزم ثابت (مردم بلند همت) در امور عالم است».

طبرسی در تفسیر آیه بیان می‌کند که خداوند از زبان لقمان چنین می‌فرماید: «که ای فرزندم، نمازهای واجب را در وقت خود با تمامی شرائطش بپا دار. امر به معروف کن و معروف در اینجا همان اطاعت پروردگار است و نهی از منکر نما و منکر هر فعل معصیت و بد را گویند چه انجام آن از نظر عقل ناپسند باشد و یا آنکه شرع اسلام به آن اجازه ندهد؛ زیرا معروف به هر چه را که دین و عقل با هم به آن اجازه می‌دهند گفته شده و منکر به آنچه را که آن دو منع می‌نمایند گفته می‌شود و شکیبایی کن بر آنچه را که از مشقت‌ها و آزارها در این راه به تو رسد و این تفسیری است که از حضرت علی (ع) رسیده است اما جبائی از بعضی گفته است که منظور سختی‌های دنیا، مرض‌ها و دیگر ناراحتی‌ها است که در دنیا متوجه به انسان می‌شود. از اینکه در تمامی این موارد اسم فرزند را با تصغیر آورده از باب مهربانی و محبت پدرانه است.» (طبرسی، ۵۰۰/۱۳۷۲، ۸)

طبری نیز همین تفسیر را دارد که لقمان به فرزندش گفت: نماز را در حد حدودش بر پا کن و مردم را به اطاعت از خدا بخوان که از امر خدا پیروی کنند و هم‌چنین مردم را از معصیت کردن و قرار گرفتن در حرام‌ها منع کن و آزار و اذیت‌هایی که در مسیر این امر به معروف و نهی از منکر به تو می‌رسد صبر کن و همه این کارها از امور خدایی است که عزم خود را بر آن باید جزم کرد. (طبری، ۴۱۲ق، ۴۷/۲۱)

تحلیل و بررسی

طبرسی تفسیر جامع از این آیه ارائه داده و برای هر یک از احکام شرعی تعریفی را بیان می‌کند و مخاطب به آسانی متوجه کلام الهی می‌شود. از طرفی تفسیر خود را منوط به تفسیر امام علی (ع) می‌داند، اما طبری تفسیر خلاصه‌ای را بیان می‌کند.

۲-۲-۳- حق حیات و حفظ جان فرزندان

یکی از حقوقی که بر والدین است حق حیات و حرمت کشتن آن‌ها است. قرآن کریم در برابر برخورد اعراب جاهلی با دخترانشان چنین می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا» (اسراء/۳۱)؛ «هرگز فرزندان خود را از ترس فقر به قتل مرسانید (زنده به گور نکنید) که ما رازق آن‌ها و شما هستیم؛ زیرا این قتل فرزندان بسیار گناه بزرگی است» طبرسی در ذیل آیه چنین تفسیر می‌کند که: «فرزندان خود را از ترس تنگدستی نکشید. ممکن است «لَا تَقْتُلُوا» منصوب و عطف بر «أَلَا تَعْبُدُوا» باشد و ممکن است نهی و مجزوم باشد. خداوند آن‌ها را از فرزند کشی نهی می‌کند؛ زیرا آنان دختران خود را زنده به گور می‌کردند. ما کفیل روزی ایشان و شما هستیم. کشتن آن‌ها در جاهلیت، گناهی بزرگ بود! امروز نیز چنین است.» (طبرسی، ۶/۱۳۷۲، ۶۳)

طبری آورده است که عادت عرب این بود که از ترس فقر فرزندان دختر خود را می‌کشتند و این از عادات جاهلیت آن‌ها بود. خداوند در این آیه آن‌ها را از این عادت نهی می‌کند و به آن‌ها خبر می‌دهد که رزق و روزی این فرزندان از طرف خداست. (طبری، ۴۱۲ ق، ۵۷/۱۵)

تحلیل و بررسی

هر دو مفسر با توجه به فضای عصر نزول مبنی بر این که عرب جاهلی عادت زشت دختر کشی را امر رایجی می‌دانستند تفسیر می‌کنند و حرمت کشتن فرزندان را از آیه استدلال کرده‌اند که همان حق حیات و تأمین امنیت زندگی اجتماعی آن‌ها را می‌رساند. اما طبرسی آیه را منحصر به زمان عصر نزول ندانسته و بر این است که این حکم الهی بر جامعه امروز نیز صدق می‌کند.

۳-۳- امر به معروف و نهی از منکر

در قرآن کریم آیات زیادی در این رابطه وجود دارد که برخی از این آیات به طور مستقیم و برخی به صورت غیر مستقیم به این موضوع اشاره دارند. مطرح شدن این امر مهم به عنوان یک فریضه الهی، نشان از اهتمام بالای آن به رشد رفتار والای انسانی است. قرآن کریم با استفاده از این اصل مهم دینی، در پی این است که افراد جامعه را طوری تربیت کند که همه آن‌ها نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت کنند تا در جهت اهداف و تعالی رشد انسانی حرکت کنند. خانواده نیز به عنوان عضو کوچک و مهم اجتماع از این اصل مستثنی نیست و این امر به ویژه در نظام خانواده از مسائل بسیار مهم و گسترده است که قرآن کریم در رابطه با ضرورت این امر مهم چنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم/۶) «ای مؤمنان! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است حفظ کنید. بر آن فرشتگانی خشن و سخت‌گیر گمارده شده‌اند که از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را به آن مأمورند، همواره انجام می‌دهند»

طبرسی ذیل تفسیر آیه آورده است که خداوند متعال در این آیه می‌فرماید که همه انسان‌ها باید در برابر خود و خانواده خویش احساس مسئولیت کنند. بنابراین، بر هر انسان با ایمانی در درجه اول لازم است که با شکیبایی در اطاعت از خدا و دوری گزیدن خردمندانه از گناه و نافرمانی او و پیروی از هواهای دل، خود را از آتش دوزخ حفظ کند و در کنار این مسئولیت بزرگ خودسازی و خودشکوفایی، به خانواده و نزدیکان خود بیندیشد و آنان را نیز در پرتو اخلاص، مفاهیم و مقررات خدا را جهت تشویق و ترغیب به سبک و سیره انسانی آموزش دهد و از آتش گناه، زشتی و ستم نگاه دارد. «مقاتل» می‌گوید: نگاهداری خود و اهل خود این است که مرد مسلمان ابتدا خودسازی کند و نیز اهل خود را ادب کند و ایشان را تعلیم خیر نموده و از کار بد باز دارد و این بر هر مسلمانی واجب است که خود، خانواده‌اش، غلامان و کنیزان خود را ادب نموده و تعلیمشان دهد. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ۴۷۷/۱۰)

طبری در تفسیر این آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» را در معنای «یا ایها الذین صدقوا الله و رسوله» آورده است یعنی ای کسانی که خدا و رسولش را تصدیق می‌کنید، بدانید که برخی از شما به دلیل علمی که نسبت به آتش جهنم دارید بعضی دیگر را از آن دور نگه می‌دارید. به عبارتی به وسیله اطاعت از خدا، آتش جهنم را از خود دفع کنید و عمل به اطاعت از خدا را به خانواده خود تعلیم دهید تا از آتش جهنم دور نگه داشته شوید همان طور که خودتان را از آتش حفظ می‌کنید. (طبری، ۱۴۱۲ ق، ۱۰۶/۲۸)

تحلیل و بررسی

هر دو مفسر به نوعی پس از خودسازی به وسیله اطاعت از خدا، هر فردی را موظف به این می‌دانند که در جهت عمل به اطاعت خدا، در پرتو اخلاص خانواده خود را نیز آموزش دهند تا بدین وسیله از آتش جهنم به دور باشند که این خود بیانگر این است که انسان می‌تواند در مسیر اطاعت الهی باشد و به وسیله تقوایی که دارد موظف است علاوه بر رشد و خودسازی، خانواده خود را نیز به وسیله امر به اوامر الهی و نهی از بدی‌ها از آتش الهی مصون دارد اما لازم به ذکر است که طبرسی آیه را با استدلال عقلی شرح و گسترش می‌دهد اما طبری به بیان تفسیر مختصری از آیه بسنده کرده و در ادامه با سند های مختلف نقل حدیث می‌کند.

۴-۳- مدیریت و برنامه ریزی

هر مجموعه‌ای با دارا بودن سازماندهی و مدیریت، بهتر می‌تواند به اهداف خود برسد. زیرا با به کار گیری آن، از هرج و مرج هر مجموعه جلوگیری خواهد شد. چرا که مدیر در هر مجموعه با برنامه ریزی، هدایت و کارکرد صحیح مجموعه را تضمین می‌کند، اما نبودن مدیر به ناهمگونی می‌انجامد و در نهایت فروپاشی مجموعه را در پی دارد. خانواده نیز هر چند یک واحد اجتماعی کوچک است، اما به عنوان هسته یک نظام اجتماعی از این امر مستثنی نیست و نیازمند مدیریت و برنامه ریزی است. زیرا خانواده مهم‌ترین مهد تربیت زن و شوهر است و به تبع عهده‌دار تربیت انسان هستند. قرآن کریم در رابطه با این امر مهم می‌فرماید: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ﴾ (نساء/۳۴)؛ «مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است به واسطه آن برتری که خدا برای بعضی بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آنکه مردان از مال خود نفقه دهند...» و این آیه محور و اساس بحث مدیریت خانواده تلقی می‌شود.

طبرسی در تفسیر این قسمت از آیه آورده است که مرد «قیم»، «قیام» و «قوام» است و این اوزان و صیغه‌ها برای مبالغه و تکثیر است، و اصل قنوت به معنای اطاعت دائم است. این قیومت به این علت است که خداوند امر اداره زنان را به واسطه فزونی (بخشش خداوند) از جنبه علم و عقل و حسن رأی و تدبیر در زندگی به دست مردان سپرده شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶۸/۳)

طبری این گونه تفسیر می‌کند که این برتری را خداوند تعالی به مردان نسبت به زنان داده است؛ به همین سبب مردان قیم و مدبر بر زنان شده‌اند و در آن امور زنان که خداوند به مردان سپرده است، امرشان نسبت به زنان نافذ است و قوامیت مرد بیش‌تر ناظر به بعد اقتصادی و نیروی جسمی مرد است. (طبری، ۱۴۱۲ق؛ ۳۷/۵)

تحلیل و بررسی

طبرسی نسبت به طبری تفسیر بهتری از آیه ارائه داده است و مدیریت مرد را منحصر به یک بعد از زندگی نمی‌داند، بلکه قوامیت و مدیریت مرد را در جنبه‌های مختلفی چون برتری عقلانی، فزونی دین و یقین معرفی می‌کند این در حالی است که طبری قوامیت مرد را از جنبه اقتصادی و نیروی جسمی می‌داند.

نتیجه

خانواده به عنوان یک نهاد و نظام کوچک در جامعه نقش به سزایی را در پیشبرد اهداف یک جامعه ایفا می‌کند؛ زیرا خانواده مهد تربیت و رشد انسانیت است. بنابراین جایگاه مقدسی را در بر دارد و هرکدام از افراد خانواده دارای حقوقی هستند که بدون در نظر گرفتن آن‌ها خانواده نظام‌مند و مطلوبی به ثمر نمی‌نشیند. رسیدن به این مهم، نیازمند عوامل ثبات آن چون: محبت، آگاهی کامل به حقوق یکدیگر، امر به معروف و نهی از منکر، مدیریت و برنامه ریزی در خانواده است. قرآن کریم نیز به عنوان بالاترین منبع اسلامی در رابطه با هر یک از این عوامل آیاتی را اشاره می‌کند. با توجه به بررسی و تطبیق این دسته از آیات در تفاسیر «مجمع البیان و جامع البیان» این نتیجه حاصل می‌شود که:

الف- طبرسی و طبری در تحلیل و تفسیر این دسته از آیات در بسیاری از موارد تفسیری یکسان ارائه می‌دهند.

ب- طبرسی در بسیاری از موارد آیات مورد نظر را با شرح بسیط‌تری تفسیر می‌کند، معمولاً در آیاتی که لازم دانسته لغاتی را ترجمه کرده و سپس وارد بحث تفسیری آیه می‌شود تا شاید به این وسیله ذهن مخاطب را برای دریافت پیام الهی آماده‌تر سازد. طبری نیز در گذر آیات به این امر پرداخته است، اما در بسیاری از موارد به اختصار آیه را تفسیر می‌کند.

ج- یکی از وجه تمایز بین این دو مفسر روشی است که هر یک از آن‌ها بر طبق روش خود به تفسیر آیات پرداخته‌اند. روش تفسیر طبرسی که «جامع» و تفسیر طبری «روایی-کلامی» است، این باعث شده است تا طبری در تمام آیات پس از تفسیری مختصر از آیه، به نقل احادیث روی آورد. بنابراین گسترده‌ترین بعد تفسیر طبری، بعد روایی است که اقوال صحابه و تابعین را آورده است. پس تفسیر طبری با دارا بودن این ویژگی، در بعد روایی جامعیت خاصی به تفسیرش داده است.

د- طبرسی پس از تفسیر آیه در مواردی روایت‌گر حدیث است، اما در توضیح آیات، بیشتر با استدلال عقلی پیش می‌رود.

منابع

- قرآن کریم.
- آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه: منصور صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۴ق.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق. الفهرست. بیروت: دارالمعرفه، [بی تا].
- بروس کوتن، درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا، ۱۳۷۵.
- بهنام، جمشید و راسخ، شاپور، مقدمه بر جامعه شناسی ایران، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۸.
- جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، قم، اسراء، ۱۳۷۵. - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۲۴.
- دهخدا، علی اکبر. فرهنگ لغت دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. ۱۳۸۵ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷.
- محمد حسنین، عبدالنعیم، قاموس الفارسیه، بیروت: دارالکتاب اللبنانی، ۱۴۰۲ ق.
- نرم افزار جامع التفاسیر نسخه ۳.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله. معجم الادباء. ترجمه: عبدالمحمد آیتی. تهران: سروش، ۱۳۸۱ش.